

روزنامه

شنبه؛ ۱۰ مرداد ۱۴۰۵؛ ۱ آگوست ۲۰۲۶

شماره ۴/۵



از سرگیری حملات آمریکا و ایران پس از فروپاشی وقفه موقت

حملات مجدد آمریکا به دهها هدف در ایران و پاسخ موشکی تهران به پایگاهها و قلمرو کشورهای میزبان نیروهای آمریکایی، وقفه کوتاهی را که برای احیای مذاکرات ایجاد شده بود، پایان داد. جنگ اکنون از مرحله عملیات مقطعی عبور کرده و به چرخه‌ای رسیده است که هر تحرک نظامی‌ای، توجیه دور بعدی را تولید کرده و با گسترده‌تر ساختن اهداف، کشورهای بیش‌تری را در معرض هزینه‌های اقتصادی و انسانی قرار می‌دهد. فرماندهی مرکزی آمریکا اعلام کرده نیروهای این کشور در عملیاتی که بیش از دو ساعت به طول انجامیده، دهها هدف وابسته به سپاه پاسداران را در ایران زده‌اند. بنا بر روایت واشنگتن، مراکز فرماندهی، تاسیسات موشکی و پهپادی، سامانه‌های مراقبت ساحلی و توان دریایی ایران در فهرست اهداف قرار داشته‌اند. رسانه‌های دولتی ایران نیز از حمله به چند نقطه در استان بوشهر و اصابت یک پرتابه به ساختمانی مسکونی در قشم خبر دادند. آمریکا این موج حمله را پاسخ به عملیات موشکی ایران علیه نیروهایش در اردن اعلام کرد. ارتش اردن گفت پنج موشک ورودی را ره‌گیری کرده و تلفاتی گزارش نشده است. کویت نیز اعلام کرد حمله‌ای منتسب به ایران، ساختمانی متعلق به یک شرکت چینی را در شمال این کشور هدف قرار داده و یک کارگر را کشته است. سپاه پاسداران هم مدعی شد پایگاه‌های الازرق در اردن و علی‌السالم در کویت را هدف قرار داده است. ادعای رسانه‌های ایرانی درباره‌ی آسیب دیدن جنگنده‌های اف-۳۵ در اردن هنوز توسط آمریکا تایید نشده است. هم‌زمان، دو شناور حامل گاز در بندر دمياط مصر آتش گرفتند. بررسی اولیه‌ی مقام‌های مصری، پهپاد را عامل حادثه دانسته؛ اما هیچ طرفی مسئولیت آن را نپذیرفته است. هنوز نمی‌توان حمله را به ایران یا نیروهای هم‌پیمان آن نسبت داد. با این حال، ورود یک پندر مدیترانه‌ای به جغرافیای آسیب نشان می‌دهد که حتما مسیرهایی که به عنوان جای‌گزین تنگه‌ی هرمز یا بنادر خلیج فارس مطرح شده‌اند نیز از پی‌آمدهای جنگ مصون نیستند. این درگیری پس از وقفه‌ای چند روزه آغاز شده است. وقفه‌ای که پاکستان کوشید تا از آن برای بازگرداندن دو طرف به میز مذاکرات استفاده کند. اسلام‌آباد گفته است گفت‌وگوها برای عادی‌سازی وضعیت، به‌ویژه در تنگه‌ی هرمز، ادامه دارد. اما گزارش‌های برآمده از چنان گفت‌وگوهایی، در مورد زمان دقیق توقف عملیات، فهرست اهداف ممنوع، شیوه‌ی نظارت، مرجع ثبت نقض‌ها یا پی‌آمد تخلفات، سکوت کرده‌اند. به همین دلیل، آن چه اکنون در حال اجراست، بیش از آن که تلاش برای دست‌یابی به توافقی الزام‌آور باشد، شکلی از کانال انتقال پیام است. در اوضاع جاری، منطق تلافی، خود را بازتولید می‌کند. ایران حمله به پایگاه‌های آمریکا را پاسخ به بمباران خاک خود می‌خواند و آمریکا هر حمله به نیروهایش را مبنای از سرگیری عملیاتی تازه قرار می‌دهد. «پاسخ محدود»

ادامه در صفحه‌ی ۲

نقدی هراکلیتوسی بر خرد خصوصی / محمدرضا کریمی

این ادعا که «بیشینه‌ی فعالان سیاسی از آزادی سخن می‌گویند؛ اما چنان رفتار می‌کنند که گویی هر یک فهم و خرد اختصاصی خود را دارند» به صورت آماری قابل اثبات نیست؛ اما تکرار گسترده و شباهت ساختاری این رفتار در افراد و جریان‌های سیاسی مختلف، این امکان را در اختیارمان می‌گذارد که آن را بر پایه‌ی شهود تیپ‌ساز متکی بر تجربه‌ی اجتماعی انباشته‌ای، به صورت یک تیپ تحلیلی فراگیر، بازسازی کنیم. «با آن که لوگوس مشترک است، بیش‌تر مردم چنان زندگی می‌کنند که گویی فهمی خصوصی دارند.» این پاره گفتار B2 هراکلیتوس وضعیت بیمارگون یاد شده را نه کم‌بود داده‌ها، که گسست میان امر مشترک و آگاهی خصوصی می‌فهمد. در این جمله، تقابل اصلی، نه میان دو محتوای نظری است و نه بین یک عقیده‌ی درست و عقیده‌ای نادرست. در واقع، تقابلی‌ست میان دو شیوه‌ی پدیدارندگی و اعتباربخشی به داور. لوگوس، بنا بر تفسیر چارلز کان، ساختاری است که همه چیز بر اساس آن رخ می‌دهد و از این رو در اصل، عمومی و در دسترس همگان است؛ در برابر آن، فرونیسیس خصوصی نه تنها نظر شخصی، که ادعای مالکیت انحصاری بر فهم است. فعل «زندگی می‌کنند» نیز نمایانده‌ی آن است که هراکلیتوس درباره‌ی خطایی انتزاعی سخن نمی‌گوید، بلکه پیرامون شکلی از زیست سخن می‌گوید که در گستره‌اش، فرد خود را از آزمون داور معاف می‌کند. کان تاکید می‌کند که فرونیسیس در این جا علاوه بر «اندیشیدن»، معنای عقل عملی و خرد در تصمیم‌را نیز حمل می‌کند. بنابراین، پاره‌گفتار B2 دربردارنده‌ی ظرفیتی برای نقد کنش سیاسی است.

کنش‌گر سیاسی معمولاً مفاهیمی مانند آزادی، عدالت، مردم، رهایی و عقلانیت را با صورت دستوری و جهان شمول به کار می‌برد. او نمی‌گوید «آزادی برای من مطلوب است»، بلکه می‌گوید «آزادی حق انسان است». همین گذار از میل خصوصی به گزاره‌ی جهان‌شمول، بار اثباتی سنگینی ایجاد می‌کند. کسی که به نام آزادی سخن می‌گوید، باید نشان دهد تعریفش از آزادی، روش تحقق آن و کنش و واکنش‌هایش در برابر دیگران، از سنجه‌های روشنی پیروی می‌کند. در غیر این صورت، مفهوم آزادی به نام مستعار تمنای خصوصی تبدیل می‌شود. چنان برخورد استعاری‌ای با مفاهیم بنیادین، واژه را در زبان، هم‌چنان کلی نگه می‌دارد و در سپهر کنش، با منافع فرد، سازمان یا فرقه، تعیین می‌شود. این شکاف را می‌توان «خصوصی‌سازی لوگوس» نامید که در خلال آن، کنش‌گر، با مصادره یا ایستادن مقطعی بر زبان امر مشترک، ساز و کارهای مشترک سنجش را نمی‌پذیرد.

مشکل اصلی سیاست معاصر فقدان واژگان اخلاقی نیست. تورم این واژگان است. تقریباً هر نیروی سیاسی خود را مدافع آزادی معرفی می‌کند، زیرا «آزادی» سرمایه‌ای نمادین با توان مشروعیت‌بخشی‌ای بالاست. نبرد بر سر تعین مفهوم آن است؛ و گر نه مستبدترین ذهنیت‌ها نیز اکنون خود را مدافعان آزادی می‌خوانند. مصطفی شجاعیان هر ایرادی که داشت، سخنش خطاب به حمید اشرف مبنی بر این که «سازمانی که به هنگام ناتوانی، از پخش اندیشه‌ای که نمی‌پسندد

ادامه در صفحه‌ی ۲

ادامه از صفحه‌ی ۱

جولوگیری می‌کند، به هنگام توانایی، آن مغزی را می‌ترکاند که بخواهد اندیشه‌ای کند سوای آن چه سازمان دیکته می‌کند.^۲ حاکمی از آگاهیش نسبت به وجوهی از آزادی بوده است. تاریخ پر فراز و نشیب جریانات چپ (مسالهی سازمان‌های راست از آن رو که به دنبال استشمام بوی آزادی هم نبوده‌اند، حکایتی دیگر است) نشان داده سازمانی که درون خود نقد و گردش قدرت دموکراتیک را تحمل نمی‌کند، نمی‌تواند بیرون از خود مدعی آزادی باشد. تناقض کسی که خشونت را تنها هنگامی که علیه اردوگاه خودش باشد، محکوم می‌کند را باید در فهم هراکلیتوسی از سنجش هم‌خوانی گفتار و ساختار کنش دریافت. لفظ یا مفهومی که تنها برای خودی‌ها معتبر است، هر اندازه جهان‌شمول تکرار شود، باز به عنوان لفظ یا مفهومی خصوصی باقی می‌ماند.

این نکته با پاره گفتار B114 روشن‌تر می‌شود. هراکلیتوس می‌گوید «کسانی که با فهم سخن می‌گویند باید خود را به آن چه برای همه مشترک است متکی کنند، همان‌گونه که شهر به قانون متکی است و حتی استوارتر؛ زیرا قوانین انسانی از قانونی واحد تغذیه می‌شوند.» در این جا خرد سیاسی، دارایی روان‌شناختی درونی فرد نیست. رابطه‌ای ست میان سخن، قانون و ساختار مشترک جهان. قانون نیز صرفاً فرمان قدرت حاکم نیست. مجموعه اصول وحدت‌بخش خیل کنش‌گران سیاسی است. نباید از این گفته نتیجه گرفت که هر وفاق موجود یا هر قانون مصوب، خود به خود لوگوس را نمایندگی می‌کند. یان ماکسیمیلیان روبیتش^۳ دو اصل را از سیاست هراکلیتوسی استخراج می‌کند. نخست این که سنجه‌ای مشترک و مربوط به همه‌ی انسان‌ها در قلمرو سیاسی وجود دارد. دوم آن که، کنش سیاسی فرارونده یا برپایی ساخت قدرت درست، مستلزم فهم آن سنجه و به کارگیری در تصمیم سیاسی است. این صورت‌بندی، لوگوس را از «اراده‌ی مشترک» جدا می‌کند. لوگوس محصول جمع جبری ترجیحات یا نتیجه‌ی بازار آرای گوناگون نیست. البته برخلاف روبیتش که در وجهی کانتی، آن را امری پیشینی می‌داند؛ لوگوس سیاسی، ساختاری تا کنون تکامل یافته و بنیادی برای سنجش تصمیم‌هاست که به شکلی دیالکتیکی همواره برکشانده می‌شود.

آن چنان که روبیتش هشدار داده، نسبت دادن مفهوم مدرن اراده‌ی عمومی به هراکلیتوس، نادرست است. بنابراین، در این جا نقد هراکلیتوسی را با دو هدف هم‌زمان نقد خودکامگی فردی و خودبستگی اکثریت، برکشانده‌ایم. فرد نمی‌تواند تمنای خود را حقیقتی عمومی اعلام کند. اکثریت نیز صرفاً با اکثریت بودن، حقیقت را فراچنگ نمی‌آورند. همین جا دشوارترین تناقض کنش‌گر سیاسی پدیدار می‌شود. هر کنش‌گر می‌تواند بگوید «لوگوس مشترک است، اما تنها من آن را فهمیده‌ام». در این صورت، آموزه‌ای که قرار بود خرد خصوصی را نقد کند، به ابزار مشروعیت‌بخشی به نخبه‌سالاری معرفتی تبدیل می‌شود.

این وضعیت برای واکاوی کنش‌گران سیاسی تعیین‌کننده است. همواره این احتمال که منتقد فرقه‌گرایی، فرقه‌ای تازه بسازد یا مخالف رهبرپرستی، اقتدار شخصی خود را در قالب اقتدار نظری بازتولید کند یا مدافع آزادی، آزادی را منحصر به کسانی سازد که «به درستی» (در واقع به سیاق او) می‌اندیشند، وجود دارد. بدین ترتیب، ادعای

دست‌رسی به امر مشترک به حق ویژه برای حذف دیگران بدل می‌شود. راه گریز از این دور، انکار امکان حقیقت یا سقوط در نسبی‌گرایی، بدان گونه که در پسامدرنیسم باب شده، نیست. اگر هر فهمی صرفاً خصوصی باشد، نقد استبداد نیز به سلیقه‌ای در برابر سلیقه دیگر فروکاسته می‌شود. راه گریز، تبدیل ادعای فهم به فرآیندهای قابل سنجش است. هیچ فرد یا سازمانی نباید صرف ادعای نمایندگی لوگوس، مردم یا آزادی را دلیل صدق خود بداند. صدق سیاسی باید در نسبت میان اصل اعلام شده، تحلیل وضعیت، ابزارهای کنش، ساختار درونی سازمان و پی‌آمدهای قابل پیش‌بینی ارزیابی شود.

بر این اساس، خرد سیاسی دست کم پنج شرط دارد. نخست، قابلیت تعمیم؛ اصلی که برای دشمن نامعتبر و برای دوست معتبر است، اصل عمومی نیست. دوم، قابلیت لغو در فرآیندی دیالکتیکی؛ کنش‌گر باید امکان خطای داوریش و رفع آن در فرآیند دیالکتیکی را در نظر بگیرد. نظریه‌ای که هر شکست را نادیده گرفته یا به عنوان شاهی بر حقانیت خود به دیگران می‌فروشد، از قلمرو لوگوس به وادی ایمان بسته کوچ کرده است. سوم، تقارن انتقادی؛ معیار نقد قدرت باید بر قدرت خودی نیز اعمال شود. چهارم، میانجی‌گری نهادهای آزادی به جای متبلور شدن در نیات رهبران، باید در حق نقد و گردش مسوولیت نمود یابد. پنجم، فهم تضاد؛ امر مشترک به معنای حذف اختلاف نیست. در بیان هراکلیتوسی، وحدت از راه ساختار تنش و تقابل شکل می‌گیرد. ناتوانی انسان‌ها درک خود اختلاف نیست؛ بلکه ندیدن نظم رابطه‌ای است که اضداد را در یک کل به هم پیوند می‌دهد تا در کنش و واکنشی دیالکتیکی، برکشانده شوند. بنابراین، سیاست خردگرایانه، اختلاف را سرکوب نمی‌کند؛ آن را به صورتی سازمان می‌دهد که وحدت جمعی را از نابودی حفظ کند.

آزادی نیز نباید جوهری بی‌تاریخ یا واژه‌ای خودبسنده فرض شود. آزادی همیشه با آزادی چه کسی، از چه قیدی، برای انجام چه کاری و با تحمیل چه هزینه‌ای بر چه گروهی، همراه است. کنش‌گر سیاسی هنگامی در دام خرد خصوصی می‌افتد که یکی از این مولفه‌ها را پنهان کند و تعریف دریافتی از موقعیت خود را به صورت ماهیتی جهان‌شمول عرضه کند. آزادی بازار، آزادی سازمان‌یابی، آزادی مالکیت، آزادی از سلطه و آزادی مشارکت سیاسی در شرایط معین با یک‌دیگر تعارض پیدا خواهند کرد. خرد سیاسی با تکرار و به هرز کشاندن لفظ آزادی ره به جایی نخواهد برد؛ بلکه با آشکار کردن این تعارض‌ها و آرایه ملاکی برای تحقق آزادی برای اکثریت استثمار شده‌ی جامعه، معنا پیدا خواهد کرد.

بحران کنش سیاسی امروز، عدم تلاش برای دست‌رسی به خرد تاریخی و قناعت به خرد خصوصی است. ذیل این وضعیت، لفاظی‌ها بدون آن که ذره‌ای با آن چه در اجتماع در سیلان است، مکرراً برون‌ریزی می‌شوند. این خود موجب شکل‌گیری خرده‌استبدادهایی شده که ستیزشان با استبدادهای بزرگ‌تر ماهوی نبوده و سنجی از ستیزه بر سر گردآوردن استبدادزدگان بیش‌تر به زیر چتر خود است. بدون کنار انداختن چنین اشکالی، فرد یا گروه، توان پدید آوردن هیچ کنش پیش‌رونده‌ای را نخواهد داشت.

1. Kahn, C. H. (1979). The art and thought of Heraclitus: An edition of the fragments with translation and commentary. Cambridge University Press.

۲. شامعیان، م. (۱۹۹۹). نخستین نامه سرگشاده به چریک‌های فدایی خلق. در: شش نامه سرگشاده (ص. ۴۹). انتشارات مزدک.

3. Robitzsch, J. M. (2018). Heraclitus' political thought. Apeiron, 51(4), 405–426.

• برای پاره گفتارهای هراکلیتوس از نسخه‌ی دیلز-کراتس استفاده شده است.

ادامه از صفحه‌ی ۱

مواد سیاسی، تبلیغاتی و نظامی مرحله‌ی بعد را فراهم می‌کند. با هدف قرار گرفتن یک مرکز فرماندهی، سکوی موشکی یا تاسیسات ساحلی، طرف مقابل این حق را برای خود قایل می‌شود که پایگاه میزبان، بندر یا مسیر کشتی‌رانی دیگری را به فهرست اهدافش اضافه کند. در نتیجه، حتی اگر هیچ یک از طرفین رسماً خواهان جنگ نامحدود نباشد، سازوکار کنونی آنان به سوی گسترش جنگ می‌کشاند.

بر اساس گزارش وال‌استریت ژورنال، در ساختار فرماندهی آمریکا، گزینه‌ی کارزار هوایی گسترده‌تر علیه ایران مطرح شده است. حامیان این طرح می‌گویند باید توان موشکی ایران چنان کاهش یابد که مصرف موشک‌های ره‌گیر و فشار بر ذخایر دفاعی آمریکا کم‌تر شود. با این وجود، حملات پیشین به مراکز زیرزمینی و کارخانه‌ها، نتوانسته مانع بیرون آوردن پرتاب‌گرها و از سرگیری حملات موشکی و پهپادی شود. بنابراین، افزایش حجم بمباران می‌تواند به جای پایان دادن به چرخه‌ی جنگ، دامنه‌ی تخریب و نیاز به حملات بعدی را بیش‌تر کند.

تا کنون در طرف آمریکایی، هزینه‌ی اصلی بر دوش متحدان آمریکا بوده که پایگاه و فضای عملیاتی در اختیار آمریکا گذاشته‌اند؛ اما اختیار کامل زمان و دامنه‌ی عملیات را ندارند. به این دلیل است که عربستان هر چند با کمک آمریکا مواضع حشد الشعبی را در عراق بمباران کرد؛ اما صراحتاً اعلام نموده که به دنبال پایان جنگ است.

کاهش تردد در تنگه‌ی هرمز نیز نشان می‌دهد برای مختل کردن تجارت، بستن رسمی آب‌راه لازم نیست. داده‌های بازتاب‌یافته در گزارش‌های خبری از افت شمار کشتی‌های عبوری در دو هفته‌ی پایانی حکایت دارد. خطر حمله، افزایش حق بیمه، تغییر مسیر، تأخیر در تحویل و بالاتر رفتن بندرها می‌تواند عبور حقوقی را از نظر اقتصادی ناممکن کند. هزینه‌ی این اختلال از راه قیمت انرژی، حمل و نقل، مواد غذایی و بودجه‌ی عمومی به خانوارها منتقل می‌شود. شرکت‌های بزرگ ممکن است بخشی از زیان را با افزایش قیمت جبران کنند؛ اما مزدبگیران و مصرف‌کنندگان چنین امکانی ندارند. کاهش ذخایر موشک‌های ره‌گیر و فشار برای افزایش تولید مهمات نشان می‌دهد جنگ ظرفیت صنعتی و مالی طرف‌ها را نیز به دور بعدی مقید می‌کند. هر حمله افزون بر این که هدفی را منهدم می‌کند، سفارش تازه‌ای برای صنایع نظامی و محدودیت بیش‌تری برای هزینه‌های اجتماعی ایجاد می‌کند.

اکنون مساله این است که چه سازوکاری می‌تواند زنجیره‌ی حمله و تلافی‌جویی‌ها را قطع کند. بازگشت هر باره‌ی جنگ موشکی نشان می‌دهد تا زمانی که رهبران دو طرف اقدام نظامی را برای تقویت موقعیت خود سودمند بدانند، گفت‌وگوهای دیپلماتیک مورد ادعا قادر به متوقف کردن چرخه‌ی حمله و تلافی‌جویی نخواهد بود.

واکوی نوشته‌های نیویورک تایمز^۱ پیرامون ایران

«گزارش زنده‌ی جنگ ایران؛ حمله پهبادی در

مصر خطر گسترش جنگ را افزایش داد» در صفحه‌ی ۲۸؛ دور تازه‌ی درگیری میان ایران و آمریکا پس از چند روز آرامش، دامنه‌ی جنگ را از خلیج فارس به بخش‌های دیگری از خاورمیانه گسترش داده است. نیروهای آمریکایی در دو شب متوالی مواضعی در ایران را مورد هدف قرار داده‌اند. فرماندهی مرکزی آمریکا اعلام کرد مراکز فرماندهی نظامی، تأسیسات موشکی و محل‌های مرتبط با پهبادهای بمباران شده‌اند. هم‌زمان، ارتش اردن از سرنگونی پنج موشک شلیک شده از ایران خبر داد و عربستان برای نخستین بار، مشارکت مستقیم هواپیماهای نظامی خود در حمله به نیروهای نزدیک به ایران در عراق را اعلام کرد. مصر نیز وارد محدوده‌ی مستقیم بحران شد. مقام‌های این کشور گفتند یک پهباد ناشناس در بندر دمیاط در ساحل مدیترانه موجب انفجار شده و دو کشتی، از جمله یک شناور ذخیره گاز متعلق به یک مالک آمریکایی، دچار آتش‌سوزی شده‌اند. این حادثه در شرایطی رخ داده که عبور کشتی‌ها از تنگه هرمز بر اثر حملات و محدودیت‌های ناشی از جنگ، تقریباً متوقف گردیده و حملات حوثی‌ها به نفت‌کش‌های عربستان نیز مسیر دریای سرخ را با اختلال روبه‌رو کرده است. با وقوع حادثه‌ی دمیاط، نگرانی درباره‌ی امنیت کانال سوئز نیز افزایش یافته است. دو منبع ایرانی که نامشان در گزارش ذکر نشده، گفته‌اند حمله به بندر مصر می‌توانسته هشدار درباره‌ی توان گسترش اختلال در حمل و نقل و عرضه‌ی انرژی باشد؛ اما این که ایران یا یکی از متحدانش مسول حادثه بوده‌اند را تأیید نکرده‌اند. آمریکا نیز بدون ارایه‌ی مدرکی، ایران را مسول دانسته است. هم‌زمان، تلاش‌های دیپلماتیک برای از سرگیری گفت‌وگوها نتیجه‌ی خاصی نداشته و درگیری‌های تازه، کشورهای بیش‌تری را در وضعیت نظامی و امنیتی مرتبط با جنگ قرار داده است.

«عربستان مشارکت نظامی خود را افزایش خواهد داد و در پی تشکیل ائتلاف نظامی تازه‌ی است» در صفحه‌ی ۸۸؛ عربستان پس از ورود مستقیم به حملات نظامی مرتبط با جنگ ایران، رایزنی برای تشکیل یک ائتلاف دریایی تازه را آغاز کرده است. مقام‌های عربستان اعلام کردند جنگنده‌های این کشور همراه با نیروهای آمریکایی، مراکز متعلق به گروه‌های نزدیک به ایران در عراق را هدف قرار داده‌اند. این نخستین بار است که ریاض به صورت علنی مشارکت مستقیم خود در عملیات نظامی جنگ را تأیید کرده است. این در حالی‌ست که حوثی‌های یمن متحد ایران، حمله به نفت‌کش‌های عربستان را افزایش داده و از ۲۰ ژوئیه محاصره‌ی کشتی‌های متعلق به عربستان را اعلام کرده بودند. مقام‌های عربستان گفتند چهارده کشور با پیوستن به طرح موافقت کرده‌اند. آمریکا، پاکستان، ترکیه، مصر و چند کشور اروپایی نیز در میان دولت‌هایی‌اند که برای مشارکت دعوت شده‌اند. ائتلاف پیشنهادی قرار بوده در کنار عملیات اسپیدس (ماموریت دریایی نظامی اتحادیه‌ی اروپا برای حفاظت از کشتی‌های تجاری و حفظ آزادی کشتی‌رانی در دریای سرخ و آب‌راه‌های پیرامونی) فعالیت کند؛ اما تفاوت دقیق میان این دو عملیات روشن نشده است. عربستان پیش‌تر، پس

از کاهش عبور کشتی‌ها از تنگه‌ی هرمز، انتقال بخشی از نفت خود به بندر دریای سرخ را افزایش داده بود. حملات حوثی‌ها به نفت‌کش‌ها باعث شد بخشی از محموله‌ها مسیر طولانی‌تر کانال سوئز، دریای مدیترانه و جنوب آفریقا را طی کنند. حمله‌ی پهبادی در بندر دمیاط نیز آسیب‌پذیری این مسیر جای‌گزین را برجسته کرد. پی‌آمدهای اقتصادی جنگ در داده‌های داخلی عربستان نیز دیده شد و اقتصاد این کشور در سه ماهه‌ی دوم در مقایسه با دوره‌ی مشابه سال قبل، نزدیک به پنج درصد کوچک شد. در همین دوره، حملات مشترک آمریکا و عربستان به عراق، اعتراض دولت بغداد را برانگیخت. مقام‌های عراقی گفتند عملیات بدون هماهنگی با دولت مرکزی انجام شده و دست‌کم بیست نفر را کشته است. در نتیجه، افزایش نقش عربستان فقط به حفاظت دریایی محدود نمانده و حملات مستقیم، مسیرهای صادرات نفت و مناسبات ریاض با عراق را نیز دربر گرفته است.

«حملات، خطر کشاندن شبه‌نظامیان عراق به جنگ را افزایش می‌دهد» در صفحه‌ی ۸۸؛ حملات مشترک آمریکا و عربستان به پایگاه‌های نیروهای نزدیک به ایران در عراق، تلاش دولت بغداد برای مهار و خلع سلاح این گروه‌ها را با مانع تازه‌ی روبه‌رو ساخته است. دولت عراق در ماه‌های گذشته کوشیده بود خواست دولت آمریکا برای قرار گرفتن نیروهای مسلح غیردولتی زیر کنترل رسمی، قطع منابع مالی و تحویل سلاح را اجرا کند. گروه‌های نزدیک به ایران پیش از این زیر فشار افکار عمومی و مقام‌های عراقی قرار داشتند؛ اما این حملات به آن‌ها امکان داده ادامه‌ی فعالیت مسلحانه را با ضرورت دفاع از حاکمیت عراق توجیه کنند. شورای امنیت ملی عراق حملات را نقض حاکمیت کشور دانسته و اعلام کرده که خود دولت برای کنترل گروه‌ها اقدام خواهد کرد. مقام‌های عراقی هم‌چنین گفتند آمریکا و عربستان پیش از عملیات با بغداد هماهنگی نکرده بوده‌اند. ارتش آمریکا حملات را پاسخ به سه روز حمله‌ی پهبادی علیه نیروهای آمریکایی و زیرساخت‌های انرژی عربستان معرفی کرد؛ اما تا کنون منبع آن حملات مشخص نشده و هیچ گروه عراقی مسولیت آن‌ها را نپذیرفته است. نیروهای نزدیک به ایران که در دوره‌های پیشین معمولاً مسولیت حملات منطقه‌ای را بر عهده می‌گرفتند، این بار دخالت خود را رد کردند. در مقابل، حوثی‌های یمن به صورت عمومی حمله به نفت‌کش‌ها و زیرساخت‌های عربستان را پذیرفتند. تصاویر منتشر شده از مراسم خاکسپاری قربانیان حملات، پنج تابوت پوشیده با پرچم ایران را نشان می‌داد. یک فرماندهی عراقی گفت افراد کشته شده، مشاوران نظامی ایرانی‌ای بودند که در مرکز اطلاعاتی یکی از تیپ‌های حشد شعبی حضور داشتند. گروه‌های مسلح برای اقدام دولت عراق ضرب‌الاجل تعیین کردند و هشدار دادند در صورت پاسخ ندادن بغداد، خود علیه آمریکا یا منافع آن در عربستان اقدام خواهند کرد. دولت عراق در میان فشار آمریکا برای خلع سلاح گروه‌ها، نفوذ ایران، اعتراض به حملات خارجی و تهدید نیروهای مسلح داخلی قرار گرفته است. پراکندگی ساختاری گروه‌ها و تفاوت دیدگاهشان درباره‌ی نوع پاسخ نیز احتمال اقدام مستقل برخی واحدها را افزایش داده است.

«آمریکا ایران را عامل احتمالی حملات سایبری به دهه‌ها سامانه‌ی آب مینه‌سوتا می‌داند» در صفحه‌ی ۸۸؛ مقام‌های فدرال و ایالتی آمریکا اعلام کردند بررسی‌های

نخستین درباره‌ی حملات سایبری به سامانه‌های آب شهری در مینه‌سوتا، احتمال ارتباط عاملان با ایران را مطرح کرده است؛ اما انتساب حمله قطعی نیست و تحقیقات فنی ادامه دارد. مقام‌ها هشدار دادند امکان دارد مهاجمان نشانه‌هایی ساختگی برای نسبت دادن عملیات به ایران ایجاد کرده باشند. حمله حدود سی و شش سامانه‌ی آب شهری را هدف قرار داده و تجهیزات مورد استفاده برای کنترل و نظارت از راه دور بر برج‌های آب را در معرض اختلال قرار داده است. در دست‌کم یک شهر، چاه و تأسیسات تصفیه برای مدتی از مدار خارج شد و کارکنان ناچار شدند فرآیندها را به صورت دستی اداره کنند. با این حال، گزارشی از آلودگی آب آشامیدنی یا توقف گسترده‌ی توزیع منتشر نشده است. مقام امنیت اطلاعات مینه‌سوتا گفت شناسایی زودهنگام حمله، به دیگر شهرها امکان داد سامانه‌های مشابه را بررسی و از گسترش اختلال جلوگیری کنند. نبود درخواست باج، شیوه‌ی فنی عملیات و تمرکز بر ایجاد اختلال، از عواملی بود که مقام‌ها را به احتمال دخالت هک‌های ایرانی رسانده است. حمله در زمانی رخ داده که درگیری مستقیم میان ایران و آمریکا از سر گرفته شده و هشدارهای امنیتی درباره‌ی تلاش گروه‌های وابسته به ایران برای ورود به سامانه‌های فن‌آوری عملیاتی آمریکا افزایش یافته است. سازمان امنیت سایبری و امنیت زیرساخت آمریکا نیز چند روز پیش از حادثه، درباره‌ی تلاش برای هدف گرفتن شبکه‌های آب و فاضلاب هشدار داده بود.

«قیمت نفت با حرکت خاورمیانه به سوی درگیری گسترده‌تر، نوسان کرد» در صفحه‌ی ۲۸؛ بازار نفت پس از از سرگیری حملات میان ایران و آمریکا و وقوع حمله‌ی پهبادی در بندر دمیاط مصر، شاهد نوسان شدید قیمت‌ها بود. نفت برنت که یک روز پیش نزدیک به هشت درصد افزایش یافته بود، روز پنج‌شنبه ۱.۹ درصد کاهش یافت و به ۸۹ دلار و ۳ سنت در هر بشکه رسید. نفت وست تگزاس اینترمدیت نیز یک درصد پایین آمد و در سطح ۸۳ دلار و ۵۹ سنت قرار گرفت. فعالان بازار بیش از هر عامل دیگری، وضعیت عبور کشتی‌ها از تنگه‌ی هرمز را دنبال می‌کردند. حمله به نفت‌کش‌های عربستان و اعلام محدودیت برای کشتی‌های این کشور، مسیر جای‌گزین عربستان را نیز با مشکل روبه‌رو ساخت. نوسان انرژی به بازار اوراق قرضه منتقل شد. بازده اوراق سی‌ساله دولت آمریکا پس از تصمیم بانک مرکزی برای ثابت نگه داشتن نرخ بهره، در حدود ۵.۲۱ درصد باقی ماند و بازده اوراق ده‌ساله به ۴.۶۸ درصد رسید. بانک انگلستان نیز نرخ بهره را تغییر نداد و هشدار داد که افزایش قیمت انرژی می‌تواند تورم را دوباره بالا ببرد. سه عضو کمیته سیاست پولی این بانک خواستار افزایش نرخ بودند. در بازار سوخت آمریکا، میانگین قیمت بنزین به ۴ دلار و ۱۰ سنت در هر گالن رسید که سی‌وهفت درصد بیشتر از زمان آغاز جنگ بود. قیمت گازوییل نیز به ۵ دلار و ۳۴ سنت رسید و نسبت به آغاز جنگ، چهل و دو درصد افزایش نشان داد. بازار سهام آمریکا در همان روز رشد کرد؛ اما گزارش تأکید داشت که قیمت نفت، حمل و نقل دریایی و سیاست نرخ بهره هم‌چنان به روند جنگ وابسته مانده‌اند.

1. The New York Times. (2026, July 31). The New York Times (Vol. 175, No. 60,962). The New York Times Company.

«رشد ۱.۵ درصدی اقتصاد آمریکا کمتر از**پیش‌بینی‌ها بود»** در صفحه‌ی ۲: اقتصاد آمریکا در سه

ماهه‌ی دوم سال ۲۰۲۶ با نرخ سالانه‌ی ۱.۵ درصد رشد کرد. رقمی که نسبت به دوره‌ی پیش کاهش داشت و پایین‌تر از برآوردهای بازار قرار گرفت. فایننشال تایمز کاهش هزینه‌های دولت، کند شدن صادرات و افت آهنگ سرمایه‌گذاری تجاری را از عوامل اصلی این نتیجه معرفی کرده و در کنار این عوامل، جنگ پنج ماهه‌ی خاورمیانه را نیز به عنوان یکی از موثرترین عوامل در کنار آنان می‌گذارد. همین شماره در صفحه‌ی ۳، این درگیری را جنگ آمریکا و ایران نامیده و نشان می‌دهد که پی‌آمدهای آن از راه تورم، اختلال در زیرساخت‌های انرژی و افزایش قیمت سوخت، به اقتصاد آمریکا منتقل شده است. به ویژه پس از آن که تصمیم فدرال رزرو برای ثابت نگه‌داشتن نرخ بهره، درست پیش از انتشار آمار رشد، بازارها را نگران کرده بود، افزایش هزینه‌ی انرژی، نگرانی درباره‌ی توان بانک مرکزی آمریکا برای مهار شوک تورمی جنگ را تشدید کرد. با وجود افزایش قیمت‌ها، مصرف خانوارها همچنان ادامه یافت و مخارج مصرفی شخصی با نرخ سالانه ۲.۱ درصد بالا رفت؛ نرخی که در سه ماهه‌ی نخست، تنها ۰.۴ درصد بود. بازپرداخت‌های مالیاتی سنگین نیز به حفظ مصرف کمک کرد. واکنش بازار به گزارش رشد محدود بود و کاهش بازده اوراق خزانه و ارزش دلار چندان گسترده نشد؛ زیرا توجه سرمایه‌گذاران همچنان به سیاست پولی و پی‌آمدهای تورمی جنگ معطوف بوده است. هزینه‌های بزرگ شرکت‌های فن‌آوری برای زیرساخت هوش مصنوعی که در آغاز سال از رشد حمایت کرده بود، در این دوره کند شد. صادرات نیز با کاهش هزینه سفر خارجی تضعیف شد که افزایش صادرات نفت، بخشی از این افت را جبران کرد. هم‌زمان، دولت با فروش ذخایر نفتی راهبردی، مخارج خود را کاهش داده است. در مجموع، داده‌های مذکور، اقتصادی را نشان می‌دهد که مصرف داخلی هنوز از آن حمایت می‌کند؛ اما جنگ آمریکا و ایران از طریق انرژی، تورم و سیاست پولی، موانعی بر مسیر رشد آن بر جا گذاشته است.

«منطقه‌ی یورو با وجود شوک انرژی در سه‌ماهه دوم ۰.۴

درصد رشد کرد» در صفحه‌ی ۳: اقتصاد منطقه یورو در سه ماهه‌ی دوم سال ۲۰۲۶ نسبت به سه ماهه‌ی پیش، ۰.۴ درصد رشد داشته و از انتظار اقتصاددانان فراتر رفته است. این نتیجه در شرایطی ثبت شده که بازارهای انرژی همچنان تحت فشار نوسان‌های ناشی از جنگ آمریکا و ایران قرار دارند. برآورد اقتصاددانان در نظرسنجی رویترز رشد ۰.۲ درصدی بود و رقم سه ماهه‌ی نخست نیز پس از بازبینی به ۰.۳ درصد رسید. فایننشال تایمز این عمل‌کرد را در برابر نااطمینانی ژئوپولیتیک و قیمت‌های بالای انرژی، قابل توجه می‌داند و می‌نویسد اقتصادهای اروپایی در نیمه‌ی نخست سال با شوک جنگ روبه‌رو بودند؛ اما بخش صادرات توانست بخشی از فشار را دفع کند. در پایان سه ماهه‌ی دوم، آمریکا و ایران با تمدید آتش‌بس موافقت کردند و قیمت نفت برنت به سطح پیش از آغاز درگیری بازگشت؛ با این حال، پس از فروپاشی آتش‌بس، قیمت نفت بار دیگر از ۹۲ دلار در هر بشکه عبور کرد. این بازگشت قیمت انرژی، چشم‌انداز تورم و تصمیم‌های بانک مرکزی اروپا را دوباره در مرکز توجه قرار داد. آلمان، فرانسه و ایتالیا هر یک ۰.۲ درصد رشد داشتند و اقتصاد اسپانیا ۰.۷ درصد توسعه یافت. با وجود این تفاوت‌ها، اقتصاد صادرات‌محور آلمان همچنان در وضعیت رکود نسبی مانده است. تداوم قیمت بالای انرژی به این معناست که بازارها احتمال افزایش نرخ بهره‌ی بانک مرکزی اروپا در ادامه‌ی سال را در نظر گرفتند. برخی اقتصاددانان هشدار دادند که رشد فراتر از انتظار نباید به معنای آغاز شتابی پایدار تلقی شود؛ زیرا تنش‌های تازه در خاورمیانه و بازگشت فشار بر نفت، می‌تواند مصرف، تولید و تجارت را محدود کند. معامله‌گران نیز احتمال یک افزایش یک چهارم واحدی نرخ بهره تا پایان سال را قیمت‌گذاری کردند. تورم منطقه یورو نیز همچنان بالاتر از هدف میان‌مدت دو درصدی بانک مرکزی قرار داشته است. رشد ۰.۴ درصدی، مقاومت کوتاه مدت اقتصاد اروپا را ثبت کرده؛ اما مسیر آن به وضعیت جنگ آمریکا و ایران، ثبات آتش‌بس و قیمت انرژی وابسته مانده است.

«شل پس از بهره‌گیری از نوسان‌ها، دومین سود فصلی**بزرگ خود را گزارش کرد»** در صفحه‌ی ۶: شرکت شل در سه ماهه‌ی دوم سال ۲۰۲۶، سود تعدیل شده‌ی ۹.۸ میلیارد

دلاری را ثبت کرد. رقمی بالاتر از برآورد ۸.۹ میلیارد دلاری تحلیل‌گران و بسیار بیش‌تر از ۳.۴ میلیارد دلار در دوره‌ی مشابه سال قبل. فایننشال تایمز این نتیجه را دومین سود فصلی بزرگ تاریخ شرکت می‌داند. تنها رکورد بالاتر، سود ۱۱.۵ میلیارد دلاری سال ۲۰۲۲ بوده که پس از حمله‌ی تمام عیار روسیه به اوکراین و بحران انرژی اروپا به دست آمده بود. در این دوره نیز جنگ خاورمیانه، فرصت‌های گسترده‌ای برای واحدهای معاملاتی شل ایجاد کرده است. قیمت نفت و گاز در مدت سه ماه با شدت نوسان داشت و فاصله‌ی قیمت میان خریداران و فروشندگان افزایش یافت. این وضعیت امکان آربیتراژ^۲ را بیش‌تر کرد و تقاضای مشتریانی مانند شرکت‌های خدمات عمومی و خطوط هوایی برای قراردادهای پوشش ریسک قیمت را بالا برد. مدیرعامل شل گفته که شرکت در حال ادغام فعالیت معاملاتی در همه بخش‌های سازمان است و نوسان را بخشی ماندگار از نظام انرژی می‌داند. با این حال، جنگ تنها منجر به افزایش درآمد معاملاتی نشده و در بخش تولید نیز هزینه‌هایی ایجاد کرده است. آسیب جنگ به کارخانه تبدیل گاز به مایع پزل در قطر، دلیل اصلی کاهش ۵۱ درصدی تولید گاز شل نسبت به سه ماهه‌ی پیش اعلام شده است. تعطیلی این واحد در جریان درگیری، عرضه را محدود کرد که راه‌اندازی تدریجی پروژه‌ی ال‌ان‌جی کانادا، بخشی از افت را جبران کرد. هم‌زمان، قیمت فرآورده‌های پالایشی مانند سوخت جت و گازوئیل بالا ماند و هفت پالایشگاه شل با میانگین ۱۰۲ درصد ظرفیت اسمی، فعالیت کردند تا از تقاضای شدید استفاده کنند. شرکت برنامه بازخريد سهام ۳.۵ میلیارد دلاری اعلام شده در ماه مه را حفظ کرد و روند بازخريد سه ماهه را ادامه داد. گزارش صفحه‌ی ۶ تصویری دوگانه ارائه می‌دهد. جنگ آمریکا و ایران از یک سو تولید گاز و فعالیت تاسیسات منطقه‌ای را مختل کرده و از سویی دیگر، با افزایش نوسان قیمت و نیاز به پوشش ریسک، درآمد معاملات و پالایش شل را تقویت کرده است.

1. Financial Times. (2026, July 31). Financial Times (Europe ed.).

۲. بهره‌گیری از تفاوت قیمت‌ها؛ بهره‌برداری از تفاوت قیمت یک دارایی یا کالای یکسان در دو بازار، دو زمان یا دو قرارداد متفاوت.

سردبیر: محمدرضا کریمی**راه‌های ارتباط با روزنامه:**سایت: <https://www.ruzname.org>تلگرام: https://t.me/RUZNAME_4اینستاگرام: https://www.instagram.com/ruzname_4ایمیل: RUZNAME2@gmail.com

روزنامه

شنبه ۱۰ مرداد ۱۴۰۵؛ ۱ آگوست ۲۰۲۶؛ شماره ۴/۵